

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَائِسُ»

الكافي، جلد ۱، صفحه ۲۶

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

انقلاب صنعتی

شناسنامه مطلب	
b-268-3	کد مطلب
بصیرتی / مباحث آموزشی / گام اول: اطلاعات سیاسی / مقدماتی	رده
انقلاب صنعتی، انقلاب، اروپا	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

انقلاب صنعتی

در قرن ۱۷۰۰ پیشه‌وران زیادی در اروپا از بافتن و نخ‌ریسی می‌زیستند. بعداً ماشین‌هایی اختراع شد و تکامل یافت که می‌توانست سریع‌تر تولید کند. این سرآغاز انقلاب صنعتی گردید که در بریتانیای کبیر اتفاق افتاد.

چرا انقلاب صنعتی از بریتانیا کبیر آغاز شد؟

با آنکه بریتانیای کبیر در مقایسه با کشورهای دیگر اروپائی جمعیت بسیار کمی داشت اما به دلایلی دیگر انقلاب صنعتی از آنجا شروع شد. انقلاب زراعتی، قدرت دریائی، ذغال و آزادی سیاسی و فکری از جمله مهمترین دلایل بود. بریتانیای کبیر دهقانان زیادی داشت و مالکین ثروتمند، زمین‌های زیادی داشتند اما خرده‌دهاقین، مالک قطعات کوچک زمین بودند. انقلاب زراعتی باعث گردید تا مالکین ثروتمند بخش بیشتر زمین‌ها را در اختیار گرفتند و دهقانان کم‌زمین با از دست دادن زمین راهی شهرها شدند. این در مجموع سبب گردید تا درآمد دهقانان افزایش یابد و پول بیشتری را برای خرید اجناس مصرف نمایند. این تغییرات باعث گردید تا سود سرمایه‌افزایش یابد. در آغاز قرن ۱۸۰۰ بریتانیا نیرومندترین قدرت دریائی در جهان بود. برتری بریتانیا در دریا موجب حفظ راههای تجارتي و مستعمرات این کشور گردید. تجارت بریتانیا سرمایه‌ضروری امپراتوری را برای صنعت سنگین فراهم نمود. کمبود هیزم در بریتانیا باعث گردید تا این کشور در پی پیدا کردن منابع حرارتي جدیدی باشد. چیزی را که جستجو می‌نمودند ذغال سنگ بود به آسانی در زیر سطح زمین قابل دسترسی بود. بعد از اینکه تقاضا افزایش یافت، آنها عمیق و عمیق‌تر معادن را حفر کردند. در بریتانیای کبیر فضای خوب سیاسی برای ایده‌های جدید و نوآوری‌ها مساعد بود. آزادی بیان نسبی که بریتانیائی‌ها از زمان "انقلاب پرشکوه" در ۱۶۸۸ داشتند، زمینه‌ساز پیشرفت علمی و فکری گردید. بریتانیای کبیر همچنان از یک دولت با ثبات با سلطه‌ی مردمی از طریق پارلمان برخوردار بود. همه اینها زمینه را برای اختراعات، صنعت جدید و صنعتی شدن فراهم نمود. جامعه دهقانی قدیم می‌باید صحنه را برای جامعه صنعتی جدید ترک می‌کرد. مردم به کالاهای جدید دست یافتند و سطح زندگی بسیاری ارتقا یافت. بافتن و نخ‌ریسی تا این وقت یک کار زنانه بود و بسیاری از خانواده‌های دهاقین با ریشتن و بافتن تار در خانه یک درآمد اضافی بدست می‌آوردند اما ماشین‌های جدید عضلات قویتر نیاز داشت، و مردان این کار را به عهده گرفتند. در فابریکه‌های بافت صدها مرد کار میکردند، ماشین‌ها تکه‌های با کیفیت خوب می‌بافتند. فابریکه‌های انگلستان بزودی تکه برای تمام جهان تولید میکردند. بریتانیای کبیر در این تجارت نفع زیادی می‌برد. اولین شهر بزرگ صنعتی منچستر بود. انقلاب صنعتی از صنعت نساجی آغاز گردید و با افزایش جمعیت بریتانیای کبیر اکثریت مردم به لباس ارزان نیاز داشتند؛ و خود این یک

بازار بوجود آورد. مواد خام را بریتانیایی‌ها از مستعمرات می‌آوردند، دوک و چرخ که استفاده میشد بقدر کافی موثر نبودند بنابراین پژوهشگران بریتانیایی ماشین ریسندگی و بافت را تکامل دادند که تولیدات نساجی را افزایش داد.

تولید آهن و ذغال

ماشین‌های جدید از آهن ساخته شده بود و جامعه بیشتر به این ماده احتیاج داشت در این وقت روش جدید ذوب آهن و فلز به وجود آمد. مالک یک کارگاه «ابراهام داربی» با ذغال سنگ آزمایش انجام داد. او دریافت که اگر ذغال سنگ را اول به کوکس (یک نوع دیگر ذغال سنگ) تبدیل شود می‌تواند آهن را ذوب کند بعد از این کشف تولید آهن خیلی افزایش یافت. ذغال سنگ از معادن که روز بروز عمیق‌تر می‌شدند، استخراج می‌گردید. آب زیر زمین که در معادن بالا می‌آمد توسط ماشین بخار تخلیه می‌گردید. کار در معادن دشوار و خطرناک بود، اما بعدتر ماشین‌های جدید ایجاد گردید که این کار آسانتر گردید.

ماشین بخار

ماشین بخار آن کشفی بود که انقلاب صنعتی را به جلو سوق داد. توماس نیوکومین اولین ماشین بخار را در سال ۱۷۱۲ درست کرد که توانست آب معادن ذغال سنگ را تخلیه نماید. پیشرفت مهم در سال ۱۷۷۶ رخ داد زمانی که جیمزوات ماشین جدید بخار را برای معادن ذغال بیرمینگهام به وجود آورد. ماشین او در مقایسه با ماشین قدیم قویتر و بهتر بود. این را می‌توانستند در ریسندگی، بافندگی و فلزکاری و همچنان در کشتی و لوکوموتیف استفاده کنند. دوران جدید آغاز شده بود عصر صنعت شروع گردیده بود، در سال ۱۸۵۱ یک نمایش بزرگ در لندن برگزار گردید. در آنجا ملت‌های جهان اجناس خود را نمایش می‌دادند بیشتر از نیمی از اجناس در نمایش از بریتانیای کبیر بود این کشور نشان داد که "کارگاه جهان" است.

سیستم حمل و نقل بازسازی شد

کارگاه‌های جدید به یک سیستم بهتر حمل و نقل نیاز داشت آنها اجناس را تولید می‌کردند که باید به مردم می‌رسید و خودشان نیز باید مواد خام مختلف می‌داشتند. در جنوب و وسط انگلستان کانال‌هایی بازسازی گردید. یک اسکاتلندی به نام «جان مک‌آدم» روش جدید و بهتر بازسازی راه‌ها را پیدا کرد. او راه‌ها را طوری می‌ساخت که در اثر بارندگی خراب نمی‌شد. حمل و نقل در زمین یا خشکه آسانتر شد، اسبها واگون‌های بزرگ پست و انسان‌ها را به دنبال خود می‌کشید و در امتداد راه‌ها کارون‌سراها و مسافرخانه‌ها آباد شدند. تا این وقت اسب‌ها واگون‌ها را روی خط آهن می‌کشیدند. حالا ماشین بخار جیمزوات در یک واگون، در یک لوکوموتیف قرار گرفته بود. همه چیز ساده تر و آسانتر شد. در ۱۸۱۴ جورج استیفن سن اولین لوکوموتیف بخار را بوجود آورد. پنجسال بعدش او اولین خط آهن

جهان را بازسازی نمود. و این خط بین شهر های سکوتون و دارلینگتن در شمال انگلستان قرار داشت. بزودی خط آهن در جاهای دیگر نیز بازسازی گردید همراه با آن، همه مردم در سراسر کشور به کالاهایی دسترسی پیدا کردند که توسط ماشین ساخته شده بود. این امکان نیز به وجود آمد که مردم می توانستند اجناس را از طریق تلگراف سفارش دهند. مردم بیشتر از قبل خرید و فروش می کردند. اولین ماشین بخار توماس نیوکومین برای تخلیه آب از معادن مورد بهره برداری قرار گرفت.

اولین ماشین بخار توماس نیوکومین برای تخلیه آب از معادن مورد بهره برداری قرار گرفت.	۱۷۱۲
دستگاه نخ ریزی "نخریسی جینی"، که بقوت دست کار میکرد.	۱۷۶۴
ماشین نخریسی وابسته به انرژی آب	۱۷۶۸
اولین فابریکه	۱۷۷۱
ماشین بخار جیمزوات برای نخریسی استفاده شد.	۱۷۸۵

کارگران جدید

اکثریت دهقانان کم زمین، ریسندگان و بافندگان، از روستا به شهر برای پیدا نمودن کار مهاجرت نمودند. آنها در شهرها زندگی متفاوتی از دهات داشتند، مالکان کارخانه در پی به دست آوردن پول و ثروت بیشتر بودند از این رو مردم باید بین ۱۴-۱۵ ساعت در روز کار می کردند، حقوقشان پائین بود و بسیاری از مردم باید یک کار اضافی می کردند تا بتوانند زندگی خود را به پیش ببرند، آنها در طول روزکاری وقفه یا تفریح نداشتند. روزهای کاری طولانی باعث می گردید تا مردم بیشتر در داخل ساختمان ها باشند، داخل فابریکه ها گرم و هوا مملو از گرد و گاز می بود این موجب می گردید تا تعداد زیادی از کارگران به امراض ششی و مشکل تنفس مبتلا گردند. بر علاوه ماشین ها خطرناک بودند و اغلب حادثه بدی اتفاق می افتاد. هیچکس جرات شکایت را نداشت، چون که می ترسید که شغل خود را از دست دهد. اگر کسی کار را خوب انجام نمی داد و یا آهسته کار می کرد، مورد لت و کوبو یا یک مجازات از نوع دیگر قرار میگرفت، در واقع کارگران هیچگونه حقوقی نداشتند.

شهرهای صنعتی توسعه یافته

کارگران جدید به یک جای که در آن زندگی کنند احتیاج داشتند. آنها در اطراف کارخانه ها اقامت گزیدند، جمعیت در این نواحی سریع افزایش پیدا کرد. جمعیت لندن در نیمه اول قرن ۱۸ یک میلیون افزایش یافت. در ۱۸۵۰ قریب نیم

جمعیت بریتانیای کبیر در شهرها زندگی می‌کردند. خانه‌های جدید کارگران در وضعیت ناجور قرار داشت. شرکتهای ساختمانی میخواستند سریع پول به دست آورند به همین دلیل خانه‌های بدون روشنی، هوا، آب و سیستم فاضلاب درست می‌کردند و زندگی تمام اعضای خانواده در یک اتاق بود. بیرون از خانه‌ها سیاهی ذغال کارخانه‌ها انباشته می‌شد و انسانها بیمار می‌شدند، و بسیاری از مردم از امراض تیفوس، کلورا و تبرکلوز می‌مردند. زنان و کودکان به سختی زندگی میکردند و زنان نسبت به مردان درآمد بسیار کمی داشتند، با آنکه برابر با مردان زحمت می‌کشیدند. به مردان چون سرپرست خانواده‌ها دیده میشدند حقوق بیشتری دریافت می‌دادند. بسیاری از زنان با کودکان شان تنها بودند اما به آن‌ها اهمیت نمی‌دادند. کودکان نیز در کارخانه‌ها مشغول بودند و بسیاری از والدین می‌گذاشتند تا کودکان کار کنند و پولی برای خانواده بدست آورند چون آنها به پول اضافی که کودکان به دست می‌آوردند نیاز داشتند.

کارگران اعتراض میکردند

کارگران زندگی دشوار داشتند. آنها زمانیکه مریض بودند پول دریافت نمیکردند، آنها تقریباً از هیچ حقوقی بهره‌مند نبودند. بیشترین وقت یک شبانه روز را در کار بودند. بعد از مدتی بسیاری در برابر این وضع فلاکت بار به اعتراض رو آوردند. بویژه اینکه بسیاری از مردم فکر میکردند که نادرست است که به کودکان و زنان حقوق ناچیزی داده میشود. مردم حالا خواهان قوانین بودند که از آنها حمایت نماید. بزودی قوانین تصویب گردید که کودکان زیر هجده سال نباید در کارخانه‌ها کار کنند، و کودکان بین هشت سال و سیزده سال در کنار کار باید آموزش ببینند. در ۱۸۵۰ تصویب گردید که زنان و کودکان در یک شبانه روز نباید از ده و نیم ساعت بیشتر کار کنند و مردان نیز نباید از ۱۲ ساعت بیشتر کار نمایند.

کارل مارکس فیلسوف کارگران شد

کارگران در کشورهای مختلف مشکلات یکسان داشتند از همین رو بگونه‌ای خود را بهم مرتبط میکردند. کارل مارکس معتقد بود که سود صاحبان کارخانه باید در میان کارگران عادلانه توزیع گردد. او صاحبان ثروتمندکارخانه‌ها را سرمایه‌دار، و کارگران فقیر را پرولتر می‌نامید. مارکس معتقد بود که مالکان کارخانه و کارگران باید کارخانه‌ها را در تملک مشترک خود داشته باشند. مارکس گفت "پرولتاریای^۱ سراسر جهان متحد شوید".

^۱ پرولتاریا طبقه‌ای است از جامعه که هزینه زندگی خود را منحصراً از فروش نیروی کار خود بدست می‌آورد نه از منافع یک سرمایه